

# خشونت‌های پنهان اما خطرناک، دور از دید قانون

Photo: pedrosala/bigstockphoto.com

موسی برزین خلیفه لو- پژوهشگر حقوق

وقتی صحبت از خشونت خانگی می‌شود شاید کتک زدن و ایراد جراحت و یا توهین و تحقیر و یا بیرون کردن از خانه در ذهن بسیاری بیاید. خشونت جسمی یا کلامی از آنجا که روشن‌ترین و ملموس‌ترین نوع خشونت است، بیشتر از دیگر انواع آن مدنظر قرار می‌گیرد. اما در این میان انواعی از خشونت وجود دارند که قابل لمس و مشاهده مستقیم نیست. چه بسا این نوع از خشونت بسیار خطرناک‌تر از خشونت‌های قابل لمس باشد. این نوع خشونت‌ها خاموش و بی صدا بوده و بسیاری متوجه آن نمی‌شوند. حتی خود قربانی نیز ممکن است سال‌ها درگیر آن بوده باشد بدون اینکه متوجه شود. خاصیت این خشونت‌ها به گونه‌ای است که لمس نشده و در مدت طولانی اعمال می‌شوند و شخصیت و کرامت قربانی را هدف می‌گیرند.

جلوگیری از رشد شخصیت، منزوی کردن، کنترل نامتعارف، تحمیل شرایط روحی و روانی آزاردهنده، تحمیل روابط یا موقعیت اجتماعی خاص، جلوگیری از استقلال فکری و رفتاری، تضعیف اراده، ایجاد احساساتی همچون ترس و دلهره و مواردی از این قبیل از جمله خشونت‌های خاموش هستند. خشونت‌گر این نوع از خشونت‌ها ممکن است فردی متمدن، روشن فکر، فداکار و دارای خصوصیات اخلاقی خوب به نظر برسد و مورد تایید همگان نیز باشد اما در باطن دانسته یا ندانسته بر قربانی مسلط شده و اراده وی را مخدوش کند. به عبارتی ویژگی اساسی این نوع خشونت ملموس نبودن آن و تخریب تدریجی اراده قربانی است.

از آنجا که در قوانین ایران و جامعه ایرانی بیشتر خشونت‌های فیزیکی و کلامی مورد توجه قرار گرفته است، خشونت‌هایی از این دست در اغلب موارد گزارش نمی‌شوند، و بدان‌ها توجهی نمی‌شود. با این وجود برخی از مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره خانه امن از خشونت‌های غیر فیزیکی و غیر کلامی سخن گفته‌اند.

## تنها یک نمونه

در یک مورد خانمی که از زندگی مشترک اش بیست سال گذشته بود، به همراه خواهرش با مرکز مشاوره خانه امن تماس گرفت و از آزارهای روانی و اجتماعی شوهر خود شکایت داشت. او می‌گفت که همه اقوامش در شهرستان دیگری ساکن هستند و از آنجا که در شهری زندگی می‌کند که بستگان شوهرش بیشتر در آنجا سکونت دارند. از ابتدای امر ارتباط ایشان با اقوام بسیار محدود شده است و با توجه به عدم توجه شوهر به این مساله و تمایل نداشتن به رفت و آمد با خویشاوندان زن، خانم هر از چندگاهی توانسته است پدر و مادر خود را ملاقات کند. همچنین این خام به دلیل ازدواج در سن ۷۱ سالگی و بچه دار شدن در سنین پایین نتوانسته است تحصیل کرده یا فعالیت اقتصادی داشته باشد. شوهر این خانم منش اجتماعی و اعتقاد و اندیشه خود را به خانم تحمیل کرده است. الزام به انجام امورات مذهبی و اعتقادی، الزام به رفت و آمد به مراسم‌های مشخص آیینی از جمله اقدامات شوهر بوده است. این خانم علی‌رغم میل خود مجبور به استفاده از چادر شده است. ایشان اظهار می‌کرد که شوهرش مطلقاً در تصمیم‌گیری‌های مشترک از جمله انتخاب مسکن، خرید وسایل خانه یا ماشین، خرید لوازم مورد نیاز برای فرزندان، رفت و آمد و غیره صرفاً نظرات خود را اعمال داشته است و حتی وی را از دخالت در کوچکترین مسائل بازداشته است. شوهر این خانم دائماً با استهزا و تحقیر و بی توجهی نوعی دلهره و ترس در خانم ایجاد کرده است به طوری که بر اساس اظهارات خواهر وی، ایشان حتی از بیان نظر خود و صحبت کردن در مراسمها و مهمانی‌ها اکراه داشته است. فرزندان این زن نیز با تاسی از رفتار پدر، مادر خود را فردی کم‌رو و با اراده ضعیف تلقی کرده و اجازه کوچکترین دخالت در امورات زندگی‌شان را نمی‌دهند. به هر حال اراده این خانم تضعیف شده و رفتار شوهرش وی را از رشد اجتماعی بازداشته است. ایشان بسیار سرخورده شده و دائماً در حالت ترس و دلهره بود.

سوال اساسی که در مورد این نوع از خشونت‌های خانگی به ذهن می‌رسد این است که چه راهکارهایی برای مبارزه با آن وجود دارد؟ آیا قوانین باید برای برچیده شدن این مساله تدابیری را پیش‌بینی کنند؟

مقابله با این نوع از خشونت نیز مانند انواع دیگر آن نیازمند برنامه‌های بلندمدت اجتماعی و آموزشی - تحصیلی است. اما در این میان باید دید که حقوق چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد. گرچه ورود قوانین و مقررات به کلیه امورات زندگی مشترک نه امکانپذیر بوده و نه مفید است، لکن وجود تضمینات مدنی برای جلوگیری از این نوع خشونت و رهایی قربانی مفید به نظر می‌رسد. بر اساس قانون مدنی ایران زوجین موظف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند. علی‌رغم ذکر این مساله در قانون، اما اینکه چه عملی سوء معاشرت و بدرفتاری است مورد اشاره قانونگذار قرار نگرفته است به همین دلیل الزام به حسن معاشرت در حقوق ایران در اغلب موارد نوعی توصیه اخلاقی است به همین دلیل از لحاظ حقوقی دقیقاً نمی‌توان گفت که خشونت‌های موضوع بحث حاضر سوء معاشرت هستند یا نه.

## عسر و حرج

قانون مدنی همچنین در ماده ۰۳۱۱ بیان کرده است که : « در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.»

«عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد...قطعا بسیاری از خشونت‌های موضوع بحث ما زن را در وضعیت مشقت و سختی قرار می دهد اما از آنجا که محاکم ایران عسر و حرج را بسیار محدود تفسیر کرده و رویه قضائی در مواقعی که زن تقاضای طلاق می دهد بسیار سختگیری می کند.

در عمل بسیاری از خشونت‌های موضوع بحث مورد توجه محاکم قرار نگرفته و از قربانی حمایت های لازم به عمل نمی آید. از طرف دیگر اثبات خشونت‌های غیر ملموس روانی امری بسیار مشکل است. اینکه فردی از رشد اجتماعی و شخصیتی همسر خود جلوگیری کرده و اراده وی را تضعیف نموده است به سختی قابل اثبات است. از همین رو قربانیان این گونه از خشونت‌ها به حال خود رها شده و در بسیاری از موارد وجود خشونت انکار می شود. به نظر می رسد لازم است قوانین، تدابیر حمایتی و بازپرورانه برای قربانیان این نوع از خشونت‌ها پیش بینی کرده و چاره ای برای رهایی قربانی از موقعیت خشونت بار بیاندیشند.